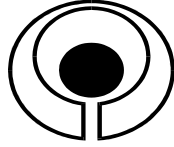


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

گروه آموزشی مدیریت رفاه اجتماعی

پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد

عنوان:

اندازه گیری شاخصهای فقر و نابرابری درآمدی در استان کرمان و مقایسه آنها با شاخصهای ملی

(۱۳۸۵-۱۳۶۸)

دانشجو:

مهدی نصرت آبادی

استاد راهنما:

دکتر احمد عبداللهی

استاد مشاور:

دکتر حسین راغفر

استاد مشاور آمار:

دکتر مسعود صالحی

تیر ماه ۱۳۸۸

شماره ثبت: ۱۳۵-۲۰۰۰

تقدیم به

پدر و مادرم

به خاطر فداکاری، محبت و دلسوزی شان که با وجود ناز نیشان به زندگی ام معنای بخشید.

تقدیم به

خواهر و برادران عزیزم

که صمیمانه همراه سخطه های زندگی ام می باشند

بر خود لازم می‌دانم از همه کسانی که در انجام این پایان نامه به من یاری رسانند شکر و قدردانی نمایم.

از جناب آقای دکتر احمد عبدالمسی، استاد راهنمای محترم به خاطر زحمات و راهنمایی‌های ارزشمند و دلسوزانه‌شان در انجام این تحقیق صمیمانه شکر و قدردانی می‌نمایم.

از جناب آقای دکتر حسین راغفر استاد مشاور کرامی به خاطر زحمات ارزنده و راهنمایی‌های بی‌دریغشان در تمامی مراحل این تحقیق (به خصوص یادگیری نرم افزار اقتصادی) صمیمانه تقدیر و شکر می‌نمایم و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند متعال خواستارم. مراتب قدردانی خود را خدمت جناب آقای دکتر مسعود صالحی استاد مشاور آماری این پایان نامه اعلام می‌دارم و از زحمات ایشان تقدیر و شکر می‌نمایم.

وظیفه خود می‌دانم از مدیر گروه محترم رفاه اجتماعی سرکار خانم دکتر مریم شریفیان ثانی و یکایک اساتید زحمت کش گروه رفاه اجتماعی تقدیر و شکر نمایم و توفیق روزافزون این اساتید کرامی را از پروردگار متعال خواستار می‌باشم. از جناب آقای دکتر عزت الله عباسیان و سرکار خانم دکتر آمنه ستاره فروزان که داور این پایان نامه را بر عهده گرفتند صمیمانه سپاسگزارم.

بر خود لازم می‌دانم از دوستان عزیز و کرامت‌دارم: غلامرضا قائد اینی، سیدرامین قاسمی، فردین علیپور، مهدی حدادی، محمد باباخانی و نوراله مرادی به خاطر همراهی صمیمانه‌شان شکر و قدردانی نمایم و برای همه این عزیزان در تمامی مراحل زندگی آرزوی توفیق و خوشبختی داشته باشم.

طرح مساله: مشکل فقر را نمی توان بدون توجه دقیق به مسئله توزیع درآمد مورد بررسی قرار داد. درحالیکه مفهوم فقر به پائین ترین طبقه در رده بندی توزیع درآمد مربوط می شود، ولی مفهوم نابرابری در توزیع درآمد به تمام طبقات جامعه مربوط می شود. با توجه به اهمیت کاهش فقر و توزیع عادلانه درآمد ها در افزایش سطح رفاه اجتماعی در کل جامعه و تعیین افراد واجد شرایط استفاده از خدمات و برنامه های رفاهی ضروری است که این دو پدیده مورد تحقیق علمی قرار گیرند ، در همین راستا بررسی آمار شاخصهای فقر و نابرابری درآمدی و تجزیه و تحلیل آنها در سطح استان می تواند راهنمایی برای برنامه ریزان در جهت فقرزدایی و اطلاع از چگونگی روند توزیع عادلانه درآمدها باشد.

روش تحقیق: در این پژوهش توصیفی - تحلیلی با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوار به اندازه گیری شاخصهای فقر (شاخصهای گروه FGT) و نابرابری درآمدی (ضریب جینی و شاخص تایل) در مناطق شهری و روستایی استان کرمان طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۵ پرداختیم و با استفاده از آزمونهای آماری روند آنها را با شاخصهای متناسب در سطح ملی مقایسه کردیم ، در این تحقیق از خط فقر مطلق کشوری برای محاسبه شاخصهای فقر و از نرم افزارهای stata و spss بهره گرفته شده است.

یافته ها: به طور کلی روند شاخصهای فقر هم در مناطق شهری و هم روستایی نزولی بوده است در حالیکه روند شاخصهای نابرابری درآمدی در مناطق شهری و روستایی بانوسان زیاد همراه بوده و به خصوص در مناطق روستایی استان و در سالهای پایانی تا حدودی افزایشی بوده است . با استفاده از آزمون t مستقل دریافتیم که میزان و شدت فقر در جامعه روستایی استان بیشتر از جامعه شهری بوده است، اما فرض برابر بودن دو میانگین ضریب جینی و تایل در مناطق شهری و روستایی استان رد نشد. به علاوه برای مقایسه شاخصهای استانی با مقادیر متناسب در سطح ملی از آزمون t دو جامعه وابسته استفاده شدو مشخص گردید که میزان شاخصهای فقر (هر سه سنج) در مناطق شهری استان بالاتر از شاخصهای متناسب در مناطق شهری کشور بود و شاخصهای نابرابری درآمدی در مناطق شهری استان تفاوت معناداری با شاخصهای متناسب در مناطق شهری کشور نداشت.

نتیجه گیری: با اینکه به طور کلی شاخصهای فقر روندی نزولی داشته اند، اما این روند در بعضی سالها با نوسانات زیادی همراه بوده که نشان می دهد سیاستهای کاهش فقر به صورت یک برنامه استراتژیک و پایدار در استان به کار گرفته نشده اند از سوی دیگر نوسانات شدید شاخصهای نابرابری درآمدی در بعضی سالها و نیز روند افزایش آنها (به خصوص در سالهای پایانی و دو سال اول برنامه چهارم توسعه) نشان از آن دارد که سیاستهای اقتصادی و اقدامات ارگانه‌های محلی مسئول با هدف توزیع عادلانه درآمدها و سیاستهای حمایتی تنظیم نشده اند. در انتها با توجه به ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی استان پیشنهاداتی برای کاهش فقر و نابرابری درآمدی در استان ارایه گردیده است

واژه های کلیدی: خط فقر، خط فقر مطلق، شاخص FGT، ضریب جینی، شاخص تایل، نابرابری درآمدی

فصل اول (کلیات تحقیق).....	۱
مقدمه.....	۲
بیان مساله.....	۴
اهمیت و ضرورت.....	۷
اهداف پژوهش.....	۸
سوالها و فرضیه ها.....	۹
فصل دوم (پیشینه تحقیق).....	۱۱
مقدمه.....	۱۲
بخش اول: فقر.....	۱۲
۱-۲ تعاریف و مفاهیم فقر.....	۱۲
۲-۲ فقر مطلق و نسبی.....	۱۵
۳-۲ خط فقر و انواع آن.....	۱۸
۳-۲-۱ اندازه گیری خط فقر مطلق.....	۱۸
۳-۲-۲ اندازه گیری خط فقر نسبی.....	۲۴
۳-۲-۳ مساله سازگاری و مقیاسهای معادل.....	۲۴
۴-۲ شاخصهای فقر و روشهای محاسبه آنها.....	۲۸
۴-۲-۱ اصول موضوعه شاخصهای فقر.....	۲۹
شاخص FGT (فوستر ، گریر و توربک).....	۳۵
بخش دوم : نابرابری در آمدی.....	۳۸
۵-۲ مروری بر تاریخچه نظریه های توزیع درآمد.....	۳۸
۶-۲ مفهوم توزیع درآمد.....	۳۹

۴۰	۷-۲ فقر ، رشد و توزیع درآمد.....
۴۱	۸-۲ شاخصهای نابرابری درآمدی و محاسبه آنها.....
۴۱	۸-۲-۱ کلیات.....
۴۳	۸-۲-۲ ویژگیهای مطلوب شاخص نابرابری.....
۴۶	۹-۲ منحنی لورنز.....
۴۷	ضریب جینی.....
۵۰	شاخص تایل.....
۵۲	مروری بر تحقیقات انجام شده پیرامون اندازه گیری شاخصهای فقر و نابرابری درآمدی.....
۵۷	نتیجه گیری و تفاوتهای تحقیق حاضر نسبت به دیگر تحقیقات مرتبط.....
۵۸	فصل سوم (روش شناسی تحقیق)
۵۹	مقدمه.....
۶۰	۱-۳ تعاریف مفاهیم.....
۶۳	۲-۳ نوع مطالعه.....
۶۳	۳-۳ نمونه آماری، روش نمونه گیری و روش جمع آوری داده ها.....
۶۴	۴-۳ متغیرهای تحقیق.....
۶۴	۵-۳ روش اجرا.....
۶۴	۶-۳ روش تجزیه و تحلیل داده ها.....
۶۵	۷-۳ روش تحلیل آماری.....
۶۵	۸-۳ خط فقر در این تحقیق.....
۶۹	فصل چهارم (یافته های پژوهش)
۷۰	مقدمه.....
۷۰	۱-۴ شاخصهای فقر در مناطق شهری و روستایی استان کرمان.....

- ۱-۴-۱ مناطق شهری استان کرمان.....۷۲
- ۱-۴-۲ مناطق روستایی استان کرمان.....۷۲
- ۲-۴ شاخصهای توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی استان کرمان.....۷۳
- ۲-۴-۱ مناطق شهری استان کرمان.....۷۴
- ۲-۴-۲ مناطق روستایی استان کرمان۷۵
- ۳-۴ شاخصهای فقر در مناطق شهری و روستایی کشور در دوره ۱۳۶۸-۱۳۸۵.....۷۶
- ۴-۴ شاخصهای توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی کشور در دوره ۱۳۶۸-۱۳۸۵.....۷۸
- ۴-۵ به کارگیری آزمون های آماری برای فرضیات تحقیق.....۷۹
- ۴-۵-۱ آزمون برابری میانگین های دو جامعه مستقل۷۹
- ۴-۵-۲ آزمون برابری میانگین های دو جامعه وابسته۷۹
- ۴-۵-۳ آزمون نرمال بودن داده ها.....۷۹
- ۴-۶ مقایسه شاخصهای فقر در مناطق شهری و روستایی استان کرمان.....۸۰
- ۴-۷ مقایسه شاخصهای توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی استان کرمان.....۸۳
- ۴-۸ مقایسه شاخصهای فقر در مناطق شهری استان کرمان و مناطق شهری کشور.....۸۴
- ۴-۹ مقایسه شاخصهای توزیع درآمد در مناطق شهری استان کرمان و مناطق شهری کشور.....۸۷
- ۴-۱۰ مقایسه شاخصهای فقر در مناطق روستایی استان کرمان و مناطق روستایی کشور.....۸۹
- ۴-۱۱ مقایسه شاخصهای توزیع درآمد در مناطق روستایی استان کرمان و مناطق روستایی کشور.....۹۱
- ۴-۱۲ بررسی شاخصهای فقر در مناطق شهری و روستایی استان کرمان بر اساس برنامه های توسعه کشوری.....۹۳
- ۴-۱۳ بررسی شاخصهای توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی استان کرمان بر اساس برنامه های توسعه کشوری.....۹۷
- فصل پنجم (بحث و نتیجه گیری پیرامون شاخصهای فقر و نابرابری درآمدی استان کرمان).....۱۰۲

مقدمه.....	۱۰۳
۱-۵ بحث و نتیجه گیری پیرامون روند شاخصهای فقر و نابرابری درآمدی در استان کرمان	۱۰۳
۲-۵ فقر و نابرابری در استان کرمان با توجه به ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی استان.....	۱۰۶
راهکارها و پیشنهادات.....	۱۰۸
محدودیتها تحقیق.....	۱۱۰
منابع.....	۱۱۱

- نمودار ۴-۱: روند تغییرات شاخصهای فقر در مناطق شهری استان کرمان..... ۷۲
- نمودار ۴-۲: روند تغییرات شاخصهای فقر در مناطق روستایی استان کرمان..... ۷۳
- نمودار ۴-۳: روند تغییرات شاخصهای توزیع درآمد در مناطق شهری استان کرمان..... ۷۵
- نمودار ۴-۴: روند تغییرات شاخصهای توزیع درآمد در مناطق روستایی استان کرمان..... ۷۶
- نمودار ۴-۵: مقایسه روند تغییرات شاخصهای فقر در مناطق شهری و روستایی استان کرمان..... ۸۱
- نمودار ۴-۶: مقایسه شاخصهای توزیع درآمد مناطق شهری و روستایی استان کرمان..... ۸۳
- نمودار ۴-۷: مقایسه شاخصهای فقر مناطق شهری استان کرمان و کشور..... ۸۵
- نمودار ۴-۸: مقایسه شاخصهای توزیع درآمد مناطق شهری استان کرمان و کشور..... ۸۷
- نمودار ۴-۹: مقایسه شاخصهای فقر مناطق روستایی استان کرمان و کشور..... ۸۹
- نمودار ۴-۱۰: مقایسه شاخصهای توزیع درآمد مناطق روستایی استان کرمان و کشور..... ۹۱
- نمودار ۴-۱۱: مقایسه شاخصهای فقر مناطق شهری استان طی سالهای برنامه اول توسعه..... ۹۳
- نمودار ۴-۱۲: مقایسه شاخصهای فقر مناطق روستایی استان طی سالهای برنامه اول توسعه..... ۹۴
- نمودار ۴-۱۳: مقایسه شاخصهای فقر مناطق شهری استان طی سالهای برنامه دوم توسعه..... ۹۴
- نمودار ۴-۱۴: مقایسه شاخصهای فقر مناطق روستایی استان طی سالهای برنامه دوم توسعه..... ۹۵
- نمودار ۴-۱۵: مقایسه شاخصهای فقر مناطق شهری استان طی سالهای برنامه سوم توسعه..... ۹۵
- نمودار ۴-۱۶: مقایسه شاخصهای فقر مناطق روستایی استان طی سالهای برنامه سوم توسعه..... ۹۶
- نمودار ۴-۱۷: مقایسه شاخصهای فقر مناطق شهری استان طی دو سال ابتدایی برنامه چهارم توسعه..... ۹۶
- نمودار ۴-۱۸: مقایسه شاخصهای فقر مناطق روستایی استان طی دو سال ابتدایی برنامه چهارم توسعه..... ۹۷
- نمودار ۴-۱۹: مقایسه شاخصهای توزیع درآمد مناطق شهری استان طی سالهای برنامه اول توسعه..... ۹۸
- نمودار ۴-۲۰: مقایسه شاخصهای توزیع درآمد مناطق روستایی استان طی سالهای برنامه اول توسعه..... ۹۸
- نمودار ۴-۲۱: مقایسه شاخصهای توزیع درآمد مناطق شهری استان طی سالهای برنامه دوم توسعه..... ۹۹

نمودار ۴-۲۲: مقایسه شاخصهای توزیع درآمد مناطق روستایی استان طی سالهای برنامه دوم توسعه.....۹۹

نمودار ۴-۲۳: مقایسه شاخصهای توزیع درآمد مناطق شهری استان طی سالهای برنامه سوم توسعه.....۱۰۰

نمودار ۴-۲۴: مقایسه شاخصهای توزیع درآمد مناطق روستایی استان طی سالهای برنامه سوم توسعه. ۱۰۰

نمودار ۴-۲۵: مقایسه شاخصهای توزیع درآمد مناطق شهری استان در دو سال ابتدایی برنامه

چهارم توسعه ۱۰۱

نمودار ۴-۲۶: مقایسه شاخصهای توزیع درآمد مناطق روستایی استان در دو سال ابتدایی برنامه

چهارم توسعه..... ۱۰۱

فهرست جداول

صفحه

- جدول ۱-۳: خط فقر مطلق پنج نفره به تفکیک شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۸۵..... ۶۷
- جدول ۲-۳: مقیاس های معادل خانوار..... ۶۸
- جدول ۱-۴: وضعیت تغییرات شاخصهای فقر در استان کرمان..... ۷۱
- جدول ۲-۴: وضعیت تغییرات شاخصهای توزیع درآمد در استان کرمان..... ۷۴
- جدول ۳-۴: وضعیت تغییرات شاخصهای فقر در کشور..... ۷۷
- جدول ۴-۴: وضعیت تغییرات شاخصهای توزیع درآمد در کشور..... ۷۸
- جدول ۵-۴: وضعیت نرمالیده شاخصهای فقر و توزیع درآمد..... ۸۰
- جدول ۶-۴: مقایسه آماری میانگین شاخصهای فقر در نقاط شهری و روستایی استان کرمان..... ۸۲
- جدول ۷-۴: مقایسه آماری میانگین شاخصهای توزیع درآمد در نقاط شهری و روستایی استان کرمان..... ۸۴
- جدول ۸-۴: مقایسه آماری میانگین شاخصهای فقر در نقاط شهری استان کرمان و کشور..... ۸۶
- جدول ۹-۴: مقایسه آماری میانگین شاخصهای توزیع درآمد در نقاط شهری و روستایی استان و کشور..... ۸۸
- جدول ۱۰-۴: مقایسه آماری میانگین شاخصهای فقر در نقاط روستایی استان کرمان و کشور..... ۹۰
- جدول ۱۱-۴: مقایسه آماری میانگین شاخصهای توزیع درآمد در نقاط روستایی استان کرمان و کشور..... ۹۲

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

پدیده فقر معضلی است که کلیه جوامع بشری در طول تاریخ به نوعی با آن گریبانگیر بوده اند و از دیر باز با انسانها همراه بوده است. پدیدارشدن فقر به یکباره و در یک مقطع زمانی نبوده است بلکه همزمانی فقر و غنی در زمانها و مکانهای مختلف حاصل تدریجی نظامهای موجود جوامع در طول تاریخ بوده است. این پدیده معضلات اجتماعی و اقتصادی مختلفی را در ابعاد مختلف برای جوامع به بار می آورد چرا که این پدیده که خود نمودی از توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و همچنین سلامت جسمی و روحی ملتها را تهدید می کند و موجب افزایش مرگ و میر، کاهش متوسط طول عمر، افت کارایی انسانها و در نهایت بهره وری انسانها می شود و از سویی دیگر فقر موجب پیدایش آسیب های اجتماعی و فساد در جامعه می شود.

به نظر می رسد که این پدیده با صنعتی شدن کشورها رفع شود اما به دنبال صنعتی شدن و مهاجرت از روستاها به مناطق شهری فقر و نابرابری به وجه بی سابقه ای افزایش یافت و منجر به نا آرامی ها و بی ثباتی های اجتماعی و سیاسی گسترده ای شد (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶).

گسترش پدیده فقر و نابرابری اجتماعی در جهان در اوایل قرن ۱۹ میلادی، اندیشمندان را به تکاپو انداخت تا به ارائه فرضیاتی پیرامون شناسایی علل ایجاد فقر و نابرابری و راههای کاستن از عواقب و معضلات ایجاد شده ناشی از افزایش فقر و نابرابری در توزیع درآمد بپردازند، لذا جوامع با توجه به سطح توسعه یافتگی خود راهبردهای مختلفی چون رشد اقتصادی بدون توجه به بازتوزیع، رشد همراه با بازتوزیع درآمد و ... را اتخاذ نمودند. اما در بسیاری از موارد به خصوص در کشورهای جهان سوم و به دلایل مختلف اثرات توزیعی این

راهبردها خیل عظیمی از مردم را برخوردار ساخت و منجر به بروز شکافهای اقتصادی اجتماعی و گسترش پدیده فقر و نابرابری درآمدی گشت .

در دهه ۱۹۸۰ وضعیت فقر همچنان بدتر شد به گونه ای که بانک جهانی این دهه را دهه فراموش شده فقرا نامید (کاظمی و زمانیان ۱۳۸۴) و دهه ۱۹۹۰ چاره ای نبود جز تغییر راهبردهای توسعه از راهبردهای رشد به راهبردهای فقر زدایی، لذا این دهه دهه جنگ با فقر نامیده شد (همان).

از آنجا که افزایش رفاه اقتصادی مردم و کاهش فقر همواره یکی از اهداف اصلی برنامه های توسعه اجتماعی اقتصادی هر کشوری محسوب می شود و به عقیده اقتصاددانان مساله فقر با توسعه اقتصادی در همه کشورها رابطه متقابل دارد یعنی برای کاهش فقر رسیدن به حدی از توسعه اقتصادی ضروری است و از سوی دیگر کاهش دادن فقر تضمینی برای توسعه اقتصادی پایدار است، لذا گفته می شود که لازمه رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی ، کاهش فقر است (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶).

لازم به ذکر است که دو مفهوم فقر و نابرابری درآمدی در کنار یکدیگر به کار می روند و می توان چنین گفت که فقر در کنار نابرابری درآمدی معنا می یابد و هر جا بحث از فقر هست پای نابرابری هم به میان کشیده می شود به طوری که گفته می شود فقر حاصل نابرابری شدید اجتماعی است (هادی زنوز ، به نقل از گزارش بانک جهانی ۱۳۸۴). هر چند در متون اقتصادی معمولاً رابطه مشخصی بین این دو مفهوم دیده نشده (یعنی توزیع نامناسب درآمد لزوماً به معنای وجود فقر یا بالعکس توزیع مناسب درآمد به معنای فقدان فقر نیست) اما امروزه می توان به قطع گفت که مشکل فقر را نمی توان بدون توجه دقیق به مسئله توزیع درآمد مورد بررسی قرار داد. درحالیکه مفهوم فقر به پائین ترین طبقه در رده بندی توزیع درآمد مربوط می شود، ولی مفهوم نابرابری در توزیع درآمد به تمام طبقات جامعه مربوط می شود.

در روند رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی در هر کشوری توجه به دو مقوله رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی اجتناب ناپذیر است و همانطور که می دانیم یکی از راههای تامین عدالت اجتماعی در هر جامعه ای پر کردن شکاف درآمدی یا همان کاهش نابرابری ها در توزیع درآمد است .

۱-۲- بیان مسأله

در اوایل دهه ۱۹۸۰، به دلیل پذیرش برنامه اصلاح ساختاری، آزاد سازی و خصوصی سازی توسط بسیاری از کشورهای جهان، فقر و حمایت از اقشار آسیب پذیر مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از صاحبان نظران مقوله فقر بر این عقیده بودند که اجرای برنامه های اقتصادی مذکور باعث افزایش فقر و نابرابری در توزیع درآمد شده است. در واکنش به چنین وضعی بود که سازمان ملل متحد دهه ۱۹۹۰ را دهه ریشه کنی فقر نام نهاد و در سال ۱۹۹۶ سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه ای^۱ هدف گذاری کرد که از طریق مشارکت جهانی نیمی از افراد فقیر بتوانند تا سال ۲۰۱۵ از شرایط فقر شدید خارج شوند (خالدی و پرمه، ۱۳۸۴)

با توجه به اهمیت کاهش فقر در توسعه پایدار یک کشور و افزایش سطح رفاه اجتماعی جامعه و از سوی دیگر اهمیت آن در تعیین افراد واجد شرایط استفاده از خدمات و برنامه های رفاهی، ضروری است که این پدیده مورد تحقیق علمی قرار گیرد. گفته شده است که این پدیده باید از دو جنبه نظری و عملی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. از جنبه نظری باید فقر و مولفه های آن به دقت تعریف و شناسایی گردد و از جنبه عملی نیز باید بتوان فقر را در جامعه (به تفکیک شهری و روستایی) اندازه گیری نمود (خالدی و پرمه، ۱۳۸۴).

به عبارتی از آنجا که اولین گام در راه طراحی و اجرای برنامه های مقابله با فقر و نابرابری، بررسی میزان اثر گذاری برنامه های توسعه کشوری بر میزان و شدت فقر موجود در مناطق شهری و روستایی طی دوره مورد اجرای برنامه ها است و با توجه به اینکه مرور تجارب گذشته و بررسی موفقیت و یا عدم موفقیت ها در هدفمند نمودن سیاستهای حمایتی حائز اهمیت است، بنابراین مطالعه روند فقر هر کشوری از جمله کشور ما از اولویت ها است که خود گویای میزان توفیق و یا عدم موفقیت برنامه های توسعه آن کشور است.

با توجه به این که مطالعه فقر در سطح استان زمینه ساز روش مناسبی برای فقرزدایی جهت نیل به توسعه پایدار و برنامه ریزی منطقه ای است، بنابراین بررسی آماری فقر و تجزیه و تحلیل آن در سطح استان می تواند راهنمایی

^۱ -OECD

برای برنامه ریزان در جهت فقرزدایی باشد. برای شناسایی هر چه دقیقتر افراد فقیر در جامعه به تعریف، تبیین و کاربرد شاخصهایی مناسب نیاز است که بتواند وجوه مختلف فقر را به دقت بررسی کند. در طی سالهای اخیر مطالعات متعددی درباره فقر و شاخص های آن در ایران صورت گرفته است و تمرکز این مطالعات بر محاسبه خط فقر^۱ و تعیین درصد افراد فقیر و شکاف فقر^۲ بوده، هرچند محاسبات نرخ فقر^۳ و شکاف فقر جنبه ای از موضوع فقر را به نمایش می گذارد، اما واقعیت این است که این شاخص ها منعکس کننده تمامی واقعیت فقر نیستند از این رو محققان سعی بر آن دارند که فقر را به گونه ای اندازه گیری کنند که تعداد فقرا، نسبت فقر و شدت فقر را توأم در نظر گیرند. از این رو در این تحقیق از شاخص^۴ FGT (شاخص فوستر - گریر - توربک) که موارد فوق را برآورده می سازد و سنجه ای حساس به فقر می باشد جهت سنجش فقر در نقاط شهری و روستایی استان کرمان طی سالهای ۸۵-۶۸ استفاده شده است (این شاخص در جای خود توضیح داده خواهد شد).

از طرف دیگر بحث نابرابری در توزیع درآمد وجود دارد از آنجا که در کشورهای توسعه یافته یکی از هدفهای اصلی سیاستگذاران اقتصادی ارتقاء سطح رفاه اجتماعی با توزیع منابع درآمدی در جامعه است و در کشورهای در حال توسعه نیز تنها رشد اقتصادی هدف تلقی نمی شود بلکه این کشورها همگام با کشورهای توسعه یافته افزایش رفاه اجتماعی و توزیع مواهب رشد را هم یکی از اهداف اصلی و از معیارهای توسعه یافتگی در نظر می گیرند. با توجه به اینکه که میزان رفاه اجتماعی خانواده ها به میزان درآمد آنها بستگی دارد و توزیع مناسب درآمد باعث افزایش سطح رفاه اجتماعی در کل جامعه می شود، لذا توزیع عادلانه درآمد یکی از اهداف مهم برنامه های توسعه در کشورها از جمله در ایران به شمار می رود.

¹ -Poverty line

² -Poverty Gap

³ -poverty rate

⁴ -Foster, Greer, Thorbecke

از سوی دیگر افزایش نابرابری در یک جامعه علاوه بر کاهش بهره‌وری نیروی کار موجب کاهش تقاضای محصولات داخلی و کاهش اعتماد مردم به مسئولان اقتصادی نیز می‌شود. ضمن اینکه افزایش نابرابری از جمله عوامل اصلی ناآرامیها در اکثر کشورها بوده است (موسی‌خانی، ۱۳۸۵، به نقل از: طرازکار، ۱۳۸۳).

بنابراین اگر چه رشد اقتصادی یکی از ابزارهای مهم برای از میان برداشتن فقر است اما چگونگی توزیع درآمد ناشی از این رشد نیز مهم است. بر طبق گزارشات بانک جهانی در سال ۲۰۰۵ علی‌رغم رشد اقتصادی بالا طی دو دهه گذشته روند کاهش فقر طی دهه پیشین بسیار آرام بوده است و تعداد فقرایی که با درآمد ۱ دلار در روز یا کمتر از آن زندگی می‌کنند به آرامی از ۱/۲ میلیارد نفر به ۱/۱ میلیارد نفر کاهش یافته و تعداد افرادی که با ۲ دلار در روز یا کمتر از آن زندگی می‌کنند طی این دوره از ۲/۶۷ میلیارد نفر به ۲/۷۴ میلیارد نفر افزایش یافته است (گزارش بانک جهانی، ۲۰۰۵).

به عقیده کارشناسان امروزه به طور قطع می‌توان گفت که اختلافات توزیع درآمد، اختلاف سطح زندگی را در جامعه بوجود می‌آورد و به فقر مفهوم می‌بخشد، بر این اساس به نظر کارشناسان دو مورد از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر عدالت اجتماعی در هر جامعه عبارتند از اینکه اولاً چند درصد جمعیت چه درصدی از درآمدها را عاید خود می‌کنند و ثانیاً شکاف درآمدی میان فقرا و ثروتمندان چقدر است (کاظمی و زمانیان، ۱۳۸۴).

با توجه به شاخصهای نابرابری درآمدی درمی‌یابیم که اندازه این شاخصها در ایران وضعیت مناسبی را نشان نمی‌دهند. تا جایی که بر اساس یکی از این شاخصها یعنی ضریب جینی^۱ فرهاد نیلی می‌گوید توزیع درآمد در ایران در مقایسه با تعدادی از کشورهای در حال توسعه از جمله کره، تایوان و چین نابرابرتر است و ضریب جینی از ۴۴٫۱ (درصد) در سال ۶۱ به ۴۲٫۳ در سال ۱۳۷۳ و ۴۱ در سال ۱۳۸۲ کاهش یافت، هر چند این ضریب نسبت به اوایل انقلاب کاهش یافته اما در مقابل ابزارهای سیاستگذاری توزیع درآمد مقاومت نشان می‌دهد. (نیلی، ۱۳۷۶)

^۱ - Gini Coefficient